

# حافظ، عاشق گلستان

## بررسی تطبیقی بیت بحث برانگیزی از یک غزل حافظ

محمد مهدی پورقدیمی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و دبیر دبیرستان‌های فسا

### اشاره

واژه‌ها در شعر حافظ تنها به یک معنی نمی‌آیند. دریافت‌های حیرت‌آور او از معانی واژه‌ها و کارایی آن‌ها و شناخت گسترده‌اش در این حوزه به او این رخصت را داده است که واژه‌ها را به گونه‌ای دلنشین و شیرین در شعرش بگنجانند.

یکی از ابیات پررسم و راز و بحث‌برانگیز حافظ بر پایه بیت زیر (بیت دوم) از غزل ۳۷۹ (دیوان غزلیات حافظ خطیب‌رهبر) است که در این نوشتار، آن را در شرح‌های مختلف بررسی می‌کنیم. برای برخورداری کامل از این بیت، آن را در دو بخش، بخش نخست شرح واژه‌های بیت و بخش دوم شرح معنی بیت، مورد بررسی قرار داده‌ایم.

عبوس زهد به وجه خمار ننشیند  
مرید خرقه دردی کشان خوش‌خویم  
(خطیب رهبر، ۱۳۷۴: ۵۱۶)

### شرح واژه‌های بیت

شرح عبوس عبوس زهد: عده‌ای از شارحان آن را «عبوس» به فتح اول و گروهی دیگر آن را «عَبُوس» به ضم اول خوانده‌اند که در زیر کوشیده‌ایم آن‌ها را تفکیک کنیم.

در کتاب «حافظ جاوید» آمده است: «بعضی کلمه «عبوس» را که به معنی «ترش‌رو» است و در مقابل واژه «خوش‌خو» می‌مصرع دوم آمده و هر دو کلمه را «صفت» ساخته است، «عَبُوس» خوانده‌اند. این تفاوت‌ها شعر حافظ را پیچیده و مبهم ساخته است،

راز ماندگاری اندیشه حافظ که از رهگذر غزل‌های او بر پهنه ادب و زندگی ایرانیان نقش بسته، همانا پاسخ‌های گوناگون او به نیازهای بی‌شمار بشر است. هر کس بر پایه گمان‌هایی که دارد، با سروده‌های حافظ یار می‌شود. یکی از ابیات بحث‌برانگیز حافظ، بیت دوم از غزل ۳۷۹ (بر پایه دیوان حافظ خطیب‌رهبر) است. نگارنده این سطور با بررسی تطبیقی این بیت از غزل یاد شده، کوشیده است در جهت گره‌گشایی مفهومی بیت یاد شده و معرفی شرح‌های مختلف آن برای آشنایی پژوهشگران حافظ کام بردارد.

کلیدواژه‌ها: بیت بحث‌برانگیز، معنی واژه‌ها، معنی بیت، شرح‌های مختلف

### مقدمه

حافظ برای بیان آنچه در دل دارد، با توجه به موقع و مقام اجتماعی و روزگار، به زبانی پرابهام، پررمز و راز و چندپهلوی نیاز داشته است. او با سود بردن از زیر و بم‌های ساختی معنایی واژه‌ها و افسانه‌ها و اسطوره‌ها و آیین‌ها و بسیاری از نکته‌های زبانی و بیانی دیگر، توانسته است خواسته‌های خود را بگوید و به جرئت می‌توان گفت کمتر غزل‌گو و شاعری را می‌شناسیم که توانسته باشد با آن گستردگی، که در شعر حافظ می‌بینیم، از توانمندی‌های گوناگون یک فرهنگ بهره‌بردار.

برای این بیت  
عبوس زهد...  
شارحانی مانند  
جلالین، طاهره  
فرید، سودی  
بسنوی و هروی  
تا حدودی  
معنی یکسانی  
را پیشنهاد  
داده‌اند

اما با شناخت از شیوه حافظ در انتخاب کلمات هماهنگ این وجه فصیح‌تر و حافظ‌پسندتر است؛ زیرا شاعر برای نیش زدن به زاهد ریاکار صحنه‌ای ساخته و او را رو در روی دردکش «خوش‌خو» نشانده است تا زحمت حضور و سنگینی وجود یکی و لطف محضر و صفای مجلس دیگری را بهتر نشان دهد» (ر.ک. جاوید، ۱۳۷۵: ۹۰۵).

در شرح‌های خرمشاهی، نیاز کرمانی، هروی و مسعود فرزاد صاحب کتاب «حافظ صحت کلمات و اصالت غزل‌ها» همین نظر کتاب «حافظ جاوید» صحیح دانسته شده است (خرمشاهی، ۱۳۶۸: ۲؛ ۱۰۷۱؛ نیاز کرمانی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۱۳۶-۱۶۹-۱۶۸؛ هروی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۱۵۷۲؛ فرزاد، ۱۳۴۹، ج ۲: ۱۰۱۲). اما محمد استعلامی، خطیب‌رهبر، جلالیان و طاهره فرید، نویسنده کتاب «یاهامات دیوان حافظ»، در شرح‌های خود این واژه را «عبوس» خوانده و درست‌تر می‌دانند (استعلامی، ۱۳۸۳، ج ۲، ۹۷۴-۹۷۵؛ خطیب‌رهبر، ۱۳۷۴: ۵۱۷؛ جلالیان، ۱۳۷۹، ج ۳: ۲۰۲۲-۲۰۲۱؛ فرید، ۱۳۷۶: ۵۰۱).

پرویز ناتل خانلری در نشریه «یغما» در مقاله‌ای با عنوان «چند نکته در تصحیح دیوان حافظ» می‌نویسد: «معنی مصراع اول این بیت را من هنوز درست نفهمیده‌ام. در نسخه قدیم‌تر به جای عبوس، «عروس» ثبت است و آن هم معنی بهتری ندارد. شاید «عبوس زهد به وجه خمار بنشیند» درست‌تر باشد «خانلری، ۱۳۲۸: ۳۰۴».

**شرح واژه «وجه»:** هاشم جاوید معتقد است که باید معنای درست و حقیقی واژه «وجه» را در این بیت دانست؛ به همین دلیل با ذکر مثال‌هایی معانی مختلف این واژه را در شعر حافظ بررسی می‌کند و می‌نویسد:

۱. «وجه»: به معنی پول و بهای کالا:

ابر آذاری برآمد باد نوروزی وزید  
وجه می می‌خواهم و مطرب که می‌گوید  
رسید

۲. «در وجه» به همان معنی:

نذر و فتوح صومعه در وجه می‌نماند  
دلخ ریا به آب خرابات برکشیم

۳. «وجه» به معنی صورت و چهره و جمال:

وجه خدا اگر شودت منظر نظر  
زین پس شکی نماند که صاحب‌نظر شوی

۴. «به وجه» که مورد نظر ماست و به معنی صورت، به حالت، به طریق، به شکل و از روی...

هر کسی با شمع رخسارت به وجهی عشق  
باخت

## حافظ نکته‌دان ما سخنی را بیهوده به کار نمی‌برد و شاهد این امر، دیگر غزلیات خواجه است

زین میان پروانه را در اضطراب انداختی  
او معتقد است که این معنای آخر صحیح‌تر است؛ زیرا «به وجه خمار» هم به روشنی، معنی «به حالت» و «به وضع خمار» دارد. یعنی زاهد به حالت کسی که خمار است، گرفته و ملول و تلخ و عبوس نشسته است (ر.ک. جاوید، ۱۳۷۵: ۵۱۲-۵۱۱).

شارحانی مانند جلالیان و نیاز کرمانی واژه «وجه» را طرز، طریق، صورت و حالت معنی کرده‌اند. (جلالیان، ۱۳۷۹، ج ۳: ۲۰۱۹؛ نیاز کرمانی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۱۳۳-۱۷۲).

## شرح معنی بیت

برای این بیت شارحانی مانند جلالیان، طاهره فرید، سودی بسنوی و هروی تا حدودی معنی یکسانی را پیشنهاد داده‌اند که به قرار زیر است: حالت ترش‌رویی ناشی

از زهد (که در چهره زاهد نمودار است)، در چهره می زده پدیدار نمی‌شود. (از این رو) من مرید و هوادار گروه می‌خواران مستمند و دُردنوشان گشاده‌رویم (جلالیان، ۱۳۷۹، ج ۳: ۱۹۰؛ فرید، ۱۳۷۶: ۵۰۱؛ سودی بسنوی، ۱۳۶۲، ج ۳: ۲۰۶۷؛ هروی، ۱۳۶۹، ج ۳: ۱۵۷۲).

علی رواقی در مجله کلک، در نقدی به مقاله احمد شاملو درباره این بیت از حافظ می‌نویسد: «مقاله آقای شاملو مانند همیشه زهرخندی است گزنده و ناشیرین؛ زیرا در کتابش «آوای جرس» در معنی این بیت با تمام تلاشی که کرده، به دلیل کاربرد نادرست واژه «عبوس» نتوانسته است معنی درستی به دست دهد، اما به گمان من معنی این بیت چنین است: آن ترش‌رویی شباهتی به ترش‌رویی شخص خمار ندارد که به جامی از میان می‌رود، و همین است که مرا مرید دردی‌کشان خشخو (کذافی‌الاصل!) کرده است» (ر.ک. رواقی، ۱۳۷۰: ۸۴).

نیاز کرمانی سه معنی برای این بیت قائل است؛ اول با توجه به ظاهر بیت که دو مصراع گسسته می‌شود؛ یعنی اینکه بگوییم: زاهد ترش‌روی به حالت خمار نمی‌نشاند، من در خرقه دردی‌کشان خوش‌خوی ارادت می‌ورزم. دوم با توجه به معنی ظاهر واژه «خوش‌خوی» یعنی: زاهد ترش‌روی خمار نیست، می‌زده و مست است؛ با این حال باز عبوس و ترش‌رو می‌نشاند. من مرید خرقه دردی‌کشان هستم که در این خماری، خوش‌خوی‌اند. این معنی نیز دارای دو نقص است؛ نقص اول اینکه اگر به دلیل خوش‌رویی دردکشان یا ترش‌رویی زاهدان بود نیازی به اظهار ارادت به خرقه دردی‌کشان نبود و نقص دوم اینکه حافظ به دلیل خوش‌رویی یا ترش‌رویی کسی از او روی برنمی‌گرداند، اما معنی سوم که با توجه به معنی دیگر واژه «خوش‌خوی» است: زاهد بدخو به حالت خمار نمی‌نشاند، می‌زده مست است، «خرقه تقوا» یش «تر دامن» و ناپاک است و خودش «نادرویش» می‌خودبین. به زیر خرقه زنا بسته است، و این خرقه پرده‌ای است بر سر «صد عیب نهن» پوشیده، و من تنها بدو ارادت و اعتقادی





ندارم بلکه سر ارادت به خرقه دردی‌کشان خوشروی و بی‌ریا سپرده‌ام که گرچه آلوده جامه اما پاک‌دامن‌اند و در عین خماری و بی‌مرادی، گشاده‌روی‌اند (ر.ک). نیاز کرمانی، ۱۳۶۹، ج ۱۳: ۱۸۲-۱۸۱.

ذوالنور در کتاب «در جست‌وجوی حافظ» نظرات چند تن از شارحان دیوان شیخ را در مورد این بیت به شرح زیر آورده است: (۱) نظر پرویز ناتل خانلری را در مورد مصراع اول این بیت که می‌گوید «معنی آن را درست نفهمیده‌ام» بیان می‌کند و سپس نظر مجدد او را پس از ۲۲ سال چنین می‌نویسد: «زاهد که عبوس، یعنی اخم‌آلود است، مانند مردمان خمارزده جلوه می‌کند؛ برخلاف خرقه دردی‌کشان که «خوش‌خوی» اند.

۲. معنی مورد نظر جعفر شعار: «ترش‌رویی و تکبر زاهدان به روی شخص مست که در حال خماری است، نمی‌نشیند؛ یعنی آنکه مست است، از ترش‌رویی و تکبر - که لازمه زاهد است - احتراز دارد.»

۳. نظر محمدعلی اسلامی ندوشن و پرتو علوی: «تکبر و ترش‌رویی که لازمه زهد ریایی است در گونه و حالت خماری، یعنی در جبهه باده‌نوش و دردی‌کش، مشاهده نمی‌شود و این ترش‌رویی در زاهدان با ننوشیدن شراب زایل‌شدنی نیست. من مرید حلقه یا خرقه دردی‌کشان هستم که کج‌خلق و ترش‌رویی و عجب و تکبر زاهد را بر روی ندارند و به خوش‌خویی موصوفاند و از ریای برکنار.»

۴. نظر شارح این کتاب (ذوالنور): «در چهره خمارآلودگان، از ترش‌رویی و کج‌خلق‌های ناشی از زهد اثری نیست؛ به همین سبب، دوستدار می‌خوارگان خوش‌خلق [ی] هستم [که حتی به هنگام خماری هم، ترش‌رویی‌شان ناشی از زهد ریایی نیست]. (ر.ک). ذوالنور، ۱۳۶۲، ج ۱: ۵۳۷-۵۳۶.»

## نتیجه‌گیری

با توجه به غزلیات پررمز و راز حافظ که پرده در پرده است، به نظر نمی‌آید که آنچه بعضی از شارحان مانند خانلری، که مصراع اول را بی‌معنی تلقی کرده‌اند، درست باشد.

برخی مانند هاشم جاوید این بیت حافظ را آسان می‌دانند و یا جلالیان که معتقد به علم عربی حافظ است، می‌گویند که باید با دقت بیشتری واژه‌ها را انتخاب و معنی کرد. باید دانست که چه مسائلی باعث می‌شده است که حافظ این‌گونه در لفافه سخن گوید و این چنین می‌کوشد که نه یک پرده که چند پرده روی رازهای خودش بکشد و معلوم نیست که تا چه اندازه امنیت داشته است که بتواند مسائل را به راحتی بیان کند تا کسی از او بازخواست نکند. همه این‌ها این نکته را روشن می‌کند که حافظ نکته‌دان ما سخنی را بیهوده به کار نمی‌برد و شاهد این امر، دیگر غزلیات خواجه است.

## منابع

۱. استعلامی، محمد. (۱۳۸۳). درس حافظ. ج ۲. ج ۲. تهران: انتشارات سخن.
۲. جاوید، هاشم. (۱۳۷۵). حافظ جاوید. ج ۱. تهران: انتشارات فرزاد.
۳. جلالیان، عبدالحسین. (۱۳۷۹). شرح جلالی بر حافظ. ج ۳. ج ۱. تهران: انتشارات بزدان.
۴. حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۸۹). دیوان حافظ. مقدمه ویراست و پرداختن متن گزینش و گزارش نسخه بدل‌ها ترجمه عربی محمد راستگو. ج ۱. تهران: انتشارات نی.
۵. خرماشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۶۸). حافظ‌نامه. ج ۲. ج ۱۲. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. خطیب‌رهبر، خلیل. (۱۳۷۴). دیوان غزلیات خواجه

حافظ شیرازی، ج ۱۶. تهران: انتشارات صفی‌علی‌شاه.

۷. ذوالنور، رحیم. (۱۳۶۲). در جست‌وجوی حافظ.

۱. ج ۱. انتشارات زوار.

۸. رواقی، علی. (۱۳۷۰). شب تاریک و بیم موج... ۱۰.

مجله کلک. شهریور و مهر، شماره ۱۸ و ۱۹.

۹. سودی بسنوی، محمد. (۱۳۶۲). شرح سودی بر حافظ. ترجمه عصمت ستارزاده. ج ۳، ج ۴. ارومیه:

انتشارات انزلی.

۱۰. فرزاد، مسعود. (۱۳۴۲). حافظ صحت کلمات،

اصالت غزل‌ها. ج ۲. شیراز: انتشارات کانون جهانی

حافظ.

۱۱. فرید، طاهره. (۱۳۷۶). ایهامات دیوان حافظ. ج ۱.

تهران: انتشارات طرح نو.

۱۲. ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۸۲). چند نکته در تصحیح

دیوان حافظ. انتشارات یغما. مهرماه. شماره ۱۷.

۱۳. نیاز کرمانی، سعید. (۱۳۶۹). حافظ‌شناسی، ج ۱۳،

ج ۱. تهران: انتشارات بازنگ.

۱۴. هروی، حسین‌علی. (۱۳۸۱). شرح غزل‌های

حافظ. به کوشش زهرا شادمانی. ج ۳. تبریز: انتشارات

ستوده.